

فلسطینی‌های عاصی و اسرائیلی‌های سرخورده

محمد رضا الفت



پس از چندین هفته درگیری‌های پراکنده‌ی فلسطینی‌ها در مسجد الاقصی با نیروهای امنیتی اسرائیل به‌ناگاه نیروهای امنیتی اسرائیل صبح دوشنبه ۲۰ اردیبهشت به شکلی وحشیانه و کم‌سابقه به فلسطینی‌های داخل مسجد حمله و حدود ۳۰۰ نفر از آنان را مجروح کردند. هم‌زمان گروه‌هایی از دو حزب راست افراطی اسرائیل تحصن‌کنندگان فلسطینی (در اعتراض به مصادره‌ی خانه‌های فلسطینی‌ها و واگذاری آن‌ها به یهودیان) در محله‌ی شیخ جراح را مورد هجوم قرار دادند. ساعاتی بعد حماس بیانیه‌ای صادر و تهدید کرد در صورتی که تا ساعت ۶ بعدازظهر نیروهای امنیتی مسجد الاقصی و محله‌ی شیخ جراح را ترک نکرده و بازداشت‌شدگان را آزاد نسازند، پی‌آمدهای آن بر عهده‌ی اسرائیل خواهد بود. حماس در ساعت ۶ بعدازظهر با شلیک هفت موشک به بیت‌المقدس تهدید خود را عملی ساخت و حیرت همگان را برانگیخت و این آغازی شد برای دور جدیدی از درگیری مسلحانه نوار غزه با رژیم صهیونیستی اسرائیل. این نوشته توضیح کوتاهی از شرایطی است که منجر به شکل گرفتن از دور جدیدی از درگیری مسلحانه بین فلسطینی‌ها و اسرائیل شد و تأملی است درباره‌ی پی‌آمدهای احتمالی آن.

فلسطینی‌ها در سرزمین‌های اشغالی

با آغاز شیوع ویروس کرونا اوضاع معیشتی ساکنان سرزمین‌های اشغالی، به‌ویژه نوار غزه که سال‌ها در محاصره است، رو به وخامت گذاشته و تشدید نارضایتی‌ها را به دنبال داشته است. دولت اسرائیل از همان چند ماه پیش که واکسیناسیون کرونا در اسرائیل را آغاز کرد، سیاستی نژادپرستانه را دنبال کرد و یهودیان را در اولویت قرار داد، به گونه‌ای که سازمان بهداشت جهانی در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ گوشزد کرد که اسرائیل باید: «به‌عنوان یک نیروی اشغال‌گر نادیده انگاشتن التزام‌های بین‌المللی‌اش را کنار گذاشته و بی‌درنگ به‌گونه‌ای عمل کند که واکسن کووید-۱۹ به صورت مساوی و عادلانه در اختیار فلسطینی‌های ساکن در مناطق اشغالی کرانه‌ی باختری و نوار غزه قرار گیرد».

این سیاست اسراییل نارضایتی فلسطینی‌ها را افزایش داد و سبب خشم شدیدتر آنان شد.

از سوی دیگر قرار بر این بود که انتخابات جدیدی پس از ۱۶ سال در سرزمین‌های اشغالی انجام گیرد که محمود عباس (ابو مازن)، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین چند روز قبل از ۲۰ اردیبهشت به بهانه عدم موافقت اسراییل با رأی‌گیری در بیت‌المقدس، انتخابات را، بدون ذکر تاریخ جدید برگزاری، به تأخیر انداخت که با مخالفت شدید حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی روبرو شد. تأخیر برگزاری انتخابات بیش از این‌که به اسراییل مربوط باشد به وضعیت متزلزل سازمان فتح (که ابو مازن رهبر آن است) مربوط می‌شود. سازمان فتح نتوانست به توافقی برای یک فهرست واحد دست یابد، اما رسماً فهرستی که مورد تأیید ابو مازن بود به‌عنوان فهرست سازمان انتشار یافت. مروان برغوتی زندانی محکوم به حبس ابد و عضو کمیته‌ی مرکزی فتح از زندان فهرست دیگری اعلام کرد که بلافاصله از طرف ناصر قدوه عضو برکنار شده‌ی کمیته مرکزی سازمان مورد پشتیبانی قرار گرفت. فهرست سوم از طرف محمد دحلان عضو دیگر و برکنار شده‌ی کمیته مرکزی سازمان فتح اعلام شد. اعلام این سه فهرست و احتمال شکسته شدن آرای رأی‌دهندگان به کاندیداها در سه فهرست سازمان فتح و احتمال افزایش انتخاب شدن کاندیداها‌ی بیشتری از حماس و دیگر سازمان‌ها، ابو مازن را وادار کرد که انتخابات را تا زمان نامعلومی به تأخیر اندازد. این موضوع نارضایتی زیاد دیگر سازمان‌ها و رأی‌دهندگان سرخورده از سیاست‌های ابو مازن (از جمله سیاست‌های انفعالی او درباره‌ی مصادره‌ی خانه‌های فلسطینی‌های ساکن در محله‌ی شیخ جراح به‌دست اسراییل و اخراج آنان) را به‌همراه داشت. تأخیر در انتخابات و نارضایتی سازمان‌ها و فلسطینی‌های نوار غزه و کرانه‌ی باختری رود اردن حکایت از بن‌بستی سیاسی برای تشکیلات خودگردان فلسطین دارد. سرکوب و وحشیانه‌ی فلسطینی‌ها در مسجد الاقصی و محله شیخ جراح و انفعال تشکیلات خودگردان سبب فریاد کمک‌خواهی فلسطینی‌ها شد و حماس از این فرصت بهره برد تا خود را فریادرس و منجی معرفی کند.

اسرائیل

اسرائیل که با پشتیبانی کامل ترامپ امتیازات مهمی از قبیل پذیرش بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل و انضمام بخش‌های اشغالی بلندی‌های جولان سوریه به سرزمین‌های اسرائیل را با تأیید آمریکا کسب کرده بود، با انتخاب بایدن این پشتیبانی بی قید شرط را تا حدودی از دست داد. با وجود پشتیبانی کامل ترامپ از نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، او با چالش‌هایی در داخل اسرائیل مواجه بود. در دو سال گذشته چهار انتخابات پارلمانی در اسرائیل برگزار شده که در هیچ‌یک از آن‌ها نتانیاهو نتوانسته است کابینه مورد نظر خود را تشکیل دهد و ناگزیر از ائتلاف با احزاب راست افراطی و دادن امتیازاتی به آن‌ها شده است. چهارمین انتخابات در اوایل فروردین‌ماه ۱۴۰۰ برگزار شد که ائتلاف حزب لیکود (به رهبری نتانیاهو) با چند حزب کوچک دیگر نتوانست اکثریت پارلمان را کسب کند اما چون حزب لیکود بیش‌ترین کرسی‌ها را کسب کرده بود، نتانیاهو مأمور تشکیل کابینه شد. وی پس از گذشت زمان مقرر نتوانست با احزاب دیگری ائتلاف کرده و تشکیل کابینه دهد لذا در ۱۵ اردیبهشت یائیر لپید مأمور تشکیل کابینه شد.

نتانیاهوی ماکیاولیست سعی کرده از هر حربه‌ای برای باقی ماندن در قدرت استفاده کند و تا آن‌جا که بتواند به احزاب راست افراطی امتیاز دهد. باقی ماندن در قدرت از دو جنبه برای او اهمیت دارد: اول جاه‌طلبی‌های سیاسی و دوم، که کم اهمیت‌تر نیست، احتمال زندانی شدن به سبب سه پرونده‌ی او به اتهام فساد، رشوه‌خواری و خیانت در امانت. ترامپ در قدرت با پشتیبانی کامل از او و فشار بر رقبای او مانع از این شد که پست نخست‌وزیری را از دست بدهد چرا که در صورت نخست‌وزیر نبودن رسیدگی به پرونده‌های قضایی او خاتمه یافته و چه بسا همانند نخست‌وزیر قبلی ایهود المرت روانه‌ی زندان می‌شد. علاوه بر این، چهار انتخابات پارلمانی در دو سال حکایت از به بن‌بست رسیدن اوضاع سیاسی در اسرائیل و سرخوردگی اسرائیلی‌ها شده و سیستم سیاسی موجود را با چالشی اساسی روبرو ساخته است. در چنین شرایطی است که حمله‌ی وحشیانه به فلسطینی‌های داخل مسجد الاقصی و تحصن‌کنندگان محله‌ی شیخ جراح انجام گرفت.

تغییرات اندک در توازن قوا در خاورمیانه

در جریان مذاکرات دوران اوباما برای امضای توافق‌نامه‌ی برجام، اسرائیل و عربستان به‌عنوان دو شریک اصلی آمریکا در خاورمیانه نادیده گرفته شدند و به‌رغم مخالفت آشکار این دو کشور موافقت‌نامه امضا شد. اما با روی کار آمدن دولت ترامپ و مخالفت‌اش با برجام، دوران طلایی و یکه‌تازی این دو کشور شروع شد. طرح ایجاد یک ناتوی عربی با همکاری اسرائیل برای مقابله با «توسعه‌طلبی» ایران با سرمایه‌ی عربستان و شیخ‌نشینان خلیج فارس و نیروی نظامی مصر از سوی آمریکا ارائه شد. در دوران ترامپ تبلیغ بسیاری در زمینه‌ی حل و فصل مسأله‌ی فلسطین از راه «معامله‌ی قرن» به راه افتاد که از نشانه‌های آن علنی شدن روابط عربستان و اسرائیل و همکاری‌های امنیتی این دو کشور و برقراری روابط سیاسی بحرین، امارات متحده‌ی عربی، سودان و مراکش با اسرائیل در اواخر دوره‌ی ریاست جمهوری ترامپ بود. در این دوران، عربستان درگیر جنگ در یمن بود که ترامپ از آن پشتیبانی می‌کرد. اما با انتخاب بایدن به ریاست جمهوری بی‌توجهی آمریکا به اسرائیل و عربستان مجدداً شکل گرفت. بایدن فروش تسلیحات به عربستان برای جنگ یمن را ممنوع کرد. دیگر سخنی درباره‌ی «معامله قرن»، ناتوی عربی و صف کشورهای عربی برای برقراری رابطه‌ی سیاسی با اسرائیل شنیده نمی‌شود، و سخن روز بازگشت آمریکا به برجام است. اسرائیل و عربستان با احیای مجدد برجام مخالفت علنی کرده و اسرائیل با ناامیدی اعلام می‌دارد که خود به هر شکلی تلاش می‌کند تا ایران را از دسترسی به تولید سلاح‌های هسته‌ای بازدارد. عربستان که به‌شدت از سوی آمریکا برای پایان دادن به جنگ در یمن تحت فشار است راهی جز همکاری با ایران برای خاتمه‌ی «آبرومندانه» جنگ در یمن نداشته و در این زمینه مذاکرات سری ایران و عربستان به‌سرعت افشا می‌شود که هضم آن برای اسرائیل سخت است. تا امروز چنین به نظر می‌رسد که مذاکرات برای توافق درباره شرط‌های بازگشت آمریکا به برجام با نتایج مثبتی همراه بوده است. برای اسرائیل و عربستان روند تحولات در خاورمیانه دیگر مانند دوران ریاست جمهوری ترامپ در جریان نیست. دولت اوباما در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴ پس از ۴۰ سال ممنوعیت صادرات نفت آمریکا را لغو کرد که به معنی توانایی در تأمین نفت مورد نیاز داخلی آمریکا بوده

و نشان می‌داد که برای آمریکا، برخلاف هم‌پیمانان اروپایی و آسیایی‌اش، نفت خاورمیانه دیگر مانند گذشته اهمیت راهبردی ندارد. در دوران اوباما راهبرد مهم آمریکا مقابله با توسعه‌ی اقتصادی سریع چین در حوزه‌ی اقیانوس آرام بود و از همین رو است که پس از چند سال تلاش دولت اوباما بلوک اقتصادی «مشارکت فرا اقیانوسی» یا **Trans-Pacific Partnership (TPP)** را در سال ۲۰۱۶ پایه‌گذاری کرد اما این بلوک پا به عرصه‌ی وجود نگذاشت چرا که ترامپ از آن خارج شد.

چرا درگیری مسلحانه؟

حکومت اسرائیل و تشکیلات خودگردان در سرزمین‌های اشغالی با مشکلات ساختاری و بن‌بست سیاسی دست به گریبان هستند و سیاست در منطقه‌ی خاورمیانه در حال دوری جستن از سیاست‌های چهار سال گذشته است. در این شرایط یکی از رایج‌ترین راه‌های خروج از بن‌بست سیاسی موجود و ایجاد اختلال در روند سیاست جدید توسل به خشونت شدید و درگیری مسلحانه است. اسرائیل خشونت شدید و به دنبال آن حماس درگیری مسلحانه را انتخاب کرده‌اند.

حکومت اسرائیل طبیعتاً واکنش فلسطینی‌ها به این خشونت شدید را پیش‌بینی و استفاده از این واکنش‌ها را، که بیشتر با خشونت همراه است، برای خروج از بن‌بست سیاسی کنونی برنامه‌ریزی کرده بود، اما چنین به نظر می‌رسد که حمله‌ی موشکی حماس به تل‌آویو و شهرهای دیگر اسرائیل جایی در این پیش‌بینی نداشت. چرا که پس از تشکیل کابینه‌ی کوچک امنیتی درباره این حمله‌ی موشکی تصمیم به بمباران هوایی غزه گرفته شد. این از موارد نادری است که اسرائیل غافل‌گیر شده است. حماس نیز برای خروج از بن‌بست سیاسی در سرزمین‌های اشغالی اقدام به حمله‌ی موشکی کرد که پیش‌بینی واکنش شدید و وحشیانه اسرائیل نسبت به حمله موشکی چندان سخت نبود. واکنش وحشیانه‌ی اسرائیل به حمله‌ی موشکی حماس موقعیت متزلزل نتانیاها در داخل اسرائیل را پایدار ساخته و چه بسا در انتخابات احتمالی آینده او بازهم قادر به تشکیل کابینه شود. حماس با این حمله خود را به‌عنوان تنها حامی ساکنان سرزمین‌های اشغالی معرفی و آینده‌ی بهتری برای خود در انتخابات آتی را رقم زد.

نکته‌ی حائز اهمیت درباره‌ی انتخاب حمله‌ی موشکی حماس این است که آیا حماس اقدام بعدی اسرائیل، پس از حمله به مسجد الاقصی و محله‌ی شیخ جراح، را حمله‌ی نظامی به غزه ارزیابی کرده بود؟ در این صورت حماس پیش‌دستی کرده و ابتکار عمل را در دست گرفت. در صورتی که اسرائیل قبل از حمله‌ی موشکی حماس بمباران غزه را آغاز می‌کرد حماس دیگر حامی بالفعل ساکنان بیت المقدس و محله‌ی شیخ جراح نبود.

پس از بمباران شدید نوار غزه حملات موشکی حماس و دیگر نیروهای موجود در غزه گسترش بی‌سابقه‌ای یافته و تقریباً تمامی اسرائیل در تیررس حملات موشکی قرار می‌گیرند. اسرائیل درباره کارایی «گنبد آهنین» خود برای مقابله با موشک‌های پرتابی به‌سوی اسرائیل تبلیغات زیادی کرده بود. اما، در این درگیری ثابت شد که این سیستم کارایی لازم را نداشته و باعث ناامیدی بسیاری از اسرائیلی‌ها شده است. حکومت اسرائیل در برآورد قدرت موشکی حماس و دیگر نیروهای مستقر در غزه دچار اشتباه فاحشی شده بود. همه‌ی فرودگاه‌های اسرائیل بسته شده‌اند چراکه در تیررس حملات موشکی قرار دارند. زندگی در بیشتر شهرهای اسرائیل به حالت تعطیل درآمده است. میلیون‌ها شهروند اسرائیل با آژیر حملات موشکی ناگزیر از رفتن به پناهگاه می‌شوند. در غزه نیز نیروی هوایی اسرائیل جدیدترین بمب‌هایی را که از آمریکایی‌ها دریافت کرده به کار می‌گیرد. بمب‌هایی که در ۵ ثانیه ساختمانی ۱۳ طبقه را با خاک یکسان می‌کند. نوار غزه نیز با بمباران‌های پیاپی به حالت تعطیل درآمده و ده‌ها هزار نفر آواره شده‌اند. حماس و دیگر نیروها در غزه دست‌آورد بزرگ دیگری داشته‌اند که می‌تواند نقش مهمی در رویدادهای آینده بین فلسطینی‌ها و اسرائیل داشته باشد. ساکنان کرانه‌ی غربی در مخالفت با بمباران نوار غزه و در همبستگی با آنان به خیابان‌ها آمده و با نیروهای اسرائیلی درگیر شده‌اند. علاوه بر این در شهرهای اسرائیل که ساکنان فلسطینی و یهودی در کنار هم زندگی می‌کنند پس از شروع درگیری مسلحانه این دو گروه یک‌دیگر را مورد حمله قرار دادند و شدیدترین درگیری در شهر لِد رخ داد و نتانیاهو مجبور شد شبانه به آن‌جا برود تا درگیری‌ها را کاهش دهد. هنوز زود است اما شاید بتوان گفت که این درگیری سبب همبستگی فلسطینی‌های ساکن غزه، کرانه‌ی

باختری، و داخل اسرائیل شد. فلسطینی‌های شهرهای مختلط اسرائیل در اعتراض به حملات شهروندان یهودی اسرائیل اقدام به اعتصاب عمومی کردند. این دستاورد فلسطینی‌ها، برای اسرائیل که در ۷۰ سال گذشته سعی در جلوگیری از همبستگی همه‌ی فلسطینی‌ها داشته، ضربه‌ای سخت است. از این رو برخی از تحلیل‌گران بر پایه‌ی این همبستگی از احتمال آغاز «انتفاضه» سوم سخن می‌گویند. عربستان، مصر و امارات سرکوب شدید در بیت المقدس و سلب مالکیت از فلسطینی‌های محله‌ی شیخ جراح را محکوم کرده و خواهان توقف فوری بمباران غزه شده‌اند و حتی مصر مرز خود با نوار غزه را برای مداوای زخمی‌های فلسطینی باز کرده است.

در جریان مصاحبه‌های برخی از مسئولان حماس درباره‌ی درگیری مسلحانه‌ی جاری با صراحت از کمک‌های ایران قدردانی شده است. بیان این موضوع از دو جنبه اهمیت دارد. از یک سو اعلام این موضوع می‌تواند به‌عنوان مداخله‌ی ایران در ایجاد آشوب در منطقه تلقی شده که نکته‌ای منفی بوده و در مذکرات وین تأثیر جانبی داشته باشد. جنبه‌ی دیگر این است که ایران با کمک به سازمان‌هایی که با اسرائیل درگیری مسلحانه دارند و اعلام رسمی آن پاسخ عملی به اقدامات اسرائیل در ایران، از قبیل انفجار در تأسیسات هسته‌ای نطنز و ترور محسن فخری‌زاده می‌دهد.

برداشت نگارنده این است که حماس با وجود بیش از دو‌یست و پنجاه کشته از مردم غزه و خسارت‌های مالی فراوان در آن‌جا برنده‌ی سیاسی این دور از درگیری مسلحانه با اسرائیل است چراکه این درگیری سبب شد که همه‌ی فلسطینی‌ها در امر مبارزه با اسرائیل احساس همبستگی کرده و به آن عینیت بخشیده‌اند. پر واضح است که خروش سراسری در فلسطین به معنای گرایش به حماس نیست. علاوه بر آن اکنون میلیون‌ها شهروند اسرائیلی با این سؤال بزرگ مواجه شده‌اند که آیا دولت اسرائیل توان تأمین امنیت آنان را در این خروش سراسری دارد یا نه؟ آیا ما شاهد دور جدیدی در تحولات منطقه هستیم!